

۴۰ نفر کشته شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد درگیری‌ها در مجموع شکل کنترل‌شده دارد و دلیل این احتیاط و کنترل نیز به قدرت تخریبی دو طرف علیه یکدیگر بازمی‌گردد که باعث شده هر دوی آن‌ها از ورود به یک جنگ گسترده اجتناب کنند؛ مگر اینکه ناگزیر شوند و مسیر تحولات به سمتی برود که در این چرخه تصاعدی درگیری‌ها، دو طرف به نقطه‌ای برسند که جنگ گسترده اجتناب‌ناپذیر باشد.

**۴ حزب‌الله در سال‌های اخیر تلاش کرده تا با افزایش مؤلفه‌های بازدارندگی خود، مرزهای جنوبی لبنان را با ثبات نگه داشته و از هرگونه تجاوز اسرائیل جلوگیری کند؛ امروز پس از گذشت ۱۰ ماه و افزایش روزافزون سطح تنش، آیا از این مؤلفه‌ها چیزی باقی مانده‌است؟**

مهم‌ترین نشانه‌ای که ما می‌توانیم به آن استناد کنیم این است که نوعی وضعیت توازن بین دو طرف وجود دارد و آن عدم ورود اسرائیل به یک جنگ فراگیر با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه تبادل آتش در مرزهای شمالی است. الان هر دو طرف در آن محدوده درگیری دارای مناطق خالی از سکنه هستند که البته به آن معنا نیست که همه ساکنان از این مناطق کوچ کرده‌اند و درگیری‌ها عمدتاً در مناطقی رخ داده که دارای کمترین غیرنظامی بوده و شهرهایی که در عمق خاک دو طرف قرار دارد هنوز وارد درگیری نشده‌اند و جز موارد اندکی که در لبنان شکل ترور داشته، عمده شهرهای صور، صیدا و نبطیه که در جنوب قرار دارند، جز در موارد خاص، هدف موشک قرار نگرفته‌اند. ما در حال صحبت در خصوص وضعیت هستیم که لبنان نزدیک به دو دهه تحت اشغال بوده و نیروهای اسرائیلی تا قلب پایتخت این کشور پیشروی کرده بودند و معروف بود که اساساً اسرائیل محدوده مرزهای خودش با لبنان را مشخص و تحت حصاری قرار نمی‌دهد تا هر زمان که اراده کند، وارد این کشور شود. حالا بعد از سال‌ها اشغال و خروج ناگزیر سال ۲۰۰۰ اسرائیل از این کشور، دو طرف در یک وضعیت تبادل آتشی قرار دارند که اسرائیلی که یک روزی وارد لبنان شده بود، امروز حتی برای آغاز یک درگیری همه‌جانبه با این کشور حتی از جنس حملات هوایی، ابا دارد و این به دلیل قدرت ضربه‌زدندگی بالای حزب‌الله است. به باور من همین احتیاط را طرف مقابل نیز دارد چراکه ما باید مسائل را نسبی ببینیم. تعداد کشته‌های لبنان قریب به ۱۰ برابر اسرائیل است اما این به معنای این نیست که ما شاهد جنگی یک‌طرفه هستیم و در خصوص وضعیتی نسبی صحبت می‌کنیم. اسرائیل در منطقه خودش حرف اول را از نظر امنیتی می‌زند اما حالا در شرایطی که یک جنگ یک‌طرفه را در غزه علیه حماس به راه انداخته و هرکاری که اراده کرده، انجام داده است، در لبنان این اتفاق نمی‌افتد. به باور من این همان قدرت بازدارندگی حزب‌الله است که توانسته برای لبنان خلق کند که البته شکل نسبی دارد و یک بازدارندگی تمام‌عیار نیست.

**۴ آیا واقعه مجدل الشمس می‌تواند نقطه عطف تنش در مرز لبنان و اسرائیل باشد؟** چراکه نهنتها ممکن است تل آویو به دنبال بهانه برای آغاز جنگ باشد، همچنین با این موضوع می‌تواند حاکمیت خود بر جولان اشغالی را مورد تأکید قرار دهد؟

قطعاً این حادثه سطح تنش را افزایش داده و خواهد داد و در این تردیدی نیست. اما الان خیلی زود است که بگوییم توانسته دو طرف را وارد جنگ بدون مرز کند؛ به باور من هنوز تا آن نقطه خیلی فاصله داریم و هنوز این ظرفیت وجود دارد که یک تبادل آتش و درگیری بین دو طرف در چارچوب قواعد مشخصی که وجود دارد، ادامه پیدا کرده و در همان محدوده مرزی بر شدت آن افزوده شود. خیلی زود است که صحبت از این کنیم که دو طرف وارد یک جنگ تمام‌عیاری می‌شوند که بخواهد عمق خاک لبنان، توسط اسرائیل مورد هدف قرار بگیرد. ما در یک وضعیت تصاعدی هستیم و درگیری‌ها شکل تصاعدی دارد اما به یک‌باره از این پله سوم و چهارمی که دو طرف در آن قرار دارند، به پله دهم نخواهند رسید اما احتمال دارد یک پله افزایش پیدا کند.

**۴ کانال‌های دیپلماتیک در حالی پس از تحولات جدید فعال شده‌اند که عبدالله‌وحیب،وزیر امور خارجه لبنان از امکان عقب‌نشینی حزب‌الله به پشت‌رودخانه لیبانی در صورت توقف تجاوز اسرائیل سخن گفته است؛ آیا در این مقطع زمانی امکان اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ وجود دارد؟**

روی کاغذ این احتمال وجود دارد؛ اساساً ما باید ببینیم قطعنامه ۱۷۰۱ چه زمانی و در چه شرایطی تصویب شد؛ این قطعنامه در پایان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ در شورای امنیت سازمان ملل مصوب شد و براساس این قطعنامه، قرار بر این شد محدوده رود لیبانی در جنوب لبنان و مرزهای بین لبنان و اسرائیل که نزدیک به ۳۰ کیلومتر است، یک محدوده غیرنظامی اعلام شود به معنای اینکه حزب‌الله در آنجا حضور نداشته باشد و در این محدوده، نیروهای سازمان ملل (یونیفیل) و ارتش لبنان مستقر شوند. با این حال این قطعنامه تنها در خصوص این موضوع سخن نمی‌گوید و بحث دوم این است که اسرائیل از اقدامات خصمانه و تجاوزکارانه علیه لبنان دست بردارد. ما در طول این دو دهه اخیر شاهد بودیم که عملاً هر دو طرف لبنان و اسرائیل، مفاد این قطعنامه را نقض کردند. استدلال حزب‌الله مشخصاً این است که اسرائیل در طول سال‌های اخیر، دائماً حریم هوایی، زمینی و دریایی لبنان را نقض کرده است و این به معنای آن است که طرف اسرائیلی ناقض این قطعنامه بوده، در نتیجه نمی‌توان از طرف لبنانی نیز انتظار داشت که به آن پایبند باشد. زمانی که قطعنامه در

سال ۲۰۰۶ تصویب شد، حزب‌الله موافقت خود را با آن اعلام می‌کند اما اساساً به دلیل این شرایط ناپایداری که میان دو طرف رقم می‌خورد، قطعنامه ۱۷۰۱ عملاً شکل اجرایی پیدا نکرده است. نکته دیگری نیز که باید به آن اشاره کنم این است که عدم حضور نیروهای حزب‌الله در محدوده مشخص شده در قطعنامه تقریباً از نظر عملی بی‌معناست چراکه حتی در دوره‌ای که جنگی نیز میان دو طرف وجود ندارد، شما اثری از حضور نیروهای حزب‌الله نمی‌دیدید یعنی نیروهای حزب‌الله هیچ حضور علنی و پادگانی در این منطقه ندارند بلکه تمام حضور نیروهای حزب‌الله در این منطقه پیش از ۷ اکتبر، حضوری غیررسمی بود چراکه سراسر آن منطقه پوشیده از تونل‌هایی است که حتی پیش از شکل‌گیری تونل‌های غزه، در جنوب لبنان شکل گرفته بود و لبنان پیش از فلسطین تجربه ساخت تونل‌هایی را دارد که با نیروهای حزب‌الله در آن مستقر هستند و یا انبار سلاح‌های این گروه است. همچنین از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از ساکنان آن مناطق، شیعیان و خانواده نیروهای حزب‌الله هستند و ساکنان آن منطقه عملاً کادر حزب‌الله هستند؛ بنابراین اینکه گفته شود آن منطقه خالی شود، اساساً عملیاتی نیست. برگردیم به تحولات اخیر؛ صحبت حزب‌الله این است که نمی‌شود از این گروه توقع داشته باشد که به پشت‌رودخانه لیبانی برگردد و جنگ را متوقف کند اما در عین حال اسرائیل هیچ تضمینی مبنی بر توقف اقداماتش علیه لبنان ارائه ندهد. البته حزب‌الله در ماه‌های اخیر مطالبه دیگری را نیز مطرح می‌کند که همان توقف جنگ در غزه است به این معنا که اساساً حزب‌الله پس از عملیات ۷ اکتبر جنگ علیه اسرائیل را آغاز کرده است و استدلالش نیز این بود که ما در یک جبهه واحد در کنار نیروهای فلسطین هستیم و نمی‌توانیم نسبت به این تحولات سکوت کنیم. بنابراین به باور من تا زمانی که جنگ در غزه تعیین تکلیف نشده، حملات اسرائیل علیه این منطقه متوقف نشود و توافقی شکل نگرفته باشد، پایان درگیری میان اسرائیل و حزب‌الله چندان محتمل به نظر نمی‌رسد و احتمالاً شاهد ادامه آن خواهیم بود اما اگر جنگ غزه پایان بگیرد، امکان اینکه بین لبنان و اسرائیل توافقی با میانجی‌گری ایالات متحده و فرانسه و سازمان شکل بگیرد، وجود دارد. حال اینکه حزب‌الله نیروهایش را به پشت‌رودخانه لیبانی ببرد یا در محدوده‌ای بین رود لیبانی و مرز باشد بحث‌های ثانویه است.

**۴ می‌دانیم که نقطه آغاز تنش میان حزب‌الله و اسرائیل ۷ اکتبر نبود و از ماه‌ها قبل شاهد برپایی چادرهای معروف حزب‌الله در مزارع شبعاء بودیم؛ توافق احتمالی پس از پایان جنگ چه دستاوردی می‌تواند برای لبنان داشته باشد؟**

پیش از آغاز این جنگ از ۸ اکتبر، در فاصله بین جنگ ۲۰۰۶ و این جنگ شاهد یک وضعیت ثبات نسبی در دو طرف مرز بودیم و می‌توان گفت که آرام‌ترین مرزهای اسرائیل اتفاقاً مرز با لبنان بود. این به آن معنا نیست که در این منطقه هیچ تنش رخ نمی‌داد اما سطح آن در حد درگیری‌های محدود و در حد تبادل آتش چندساعته بود چراکه دو طرف پذیرفته بودند که موازنه‌ای شکل گرفته و دو طرف وارد درگیری تمام‌عیار نشوند. نکته اما اینجاست که بین دو طرف مسائل اختلافی اساسی وجود دارد که مهمترین آن عدم تعیین مرزهای رسمی بین دو طرف است. می‌دانید که میان لبنان و اسرائیل مرز رسمی نداریم و عملاً یک خط آبی سازمان ملل وجود دارد که از سال ۲۰۰۰ و پس از عقب‌نشینی اسرائیل ترسیم شده اما مرزهای رسمی میان دو طرف به جهت وجود اختلافات مرزی گسترده هنوز شکل نگرفته است، بر این اساس دولت لبنان اعلام کرده که در ۱۳ نقطه با اسرائیل اختلاف مرزی داریم و حزب‌الله هم مزارع شبعاء، شمال روستای قجر و تپه‌های کفرشوفا را مناطق اشغالی دانسته است. بر همین اساس شاهد بودیم که در روز نخست آغاز عملیات حزب‌الله علیه اسرائیل در ۸ اکتبر، این گروه ابتدا نیروهای اسرائیل را در همین مناطق مورد هدف قرار داد که استدلال حزب‌الله این بود که اسرائیل را در یک منطقه لبنانی زده است. البته در خصوص این موضوع بحث‌های زیادی مطرح است و دو طرف استدلال‌های خود را دارند و صحبت از این می‌شود که بخش‌هایی از این منطقه اساساً متعلق به سوریه است. بنابراین این اختلافات میان دو طرف همیشه وجود داشته که حزب‌الله تلاش کرده با قدرت خودش بتواند وزن لبنان را در این اختلافات بالا ببرد که اگر قرار باشد مذاکراتی صورت بگیرد، طرف لبنانی بتواند بر د بالایی را داشته باشد. ما شاهد این بودیم که از سه چهار سال قبل تحرکاتی از سمت آمریکا شروع شده تا اختلافات مرزی میان لبنان و اسرائیل پایان ببپذیرد. اولین پروژه اختلافات مرزهای آبی میان دو طرف بود که آن منطقه از نظر دارا بسودن ذخایر انرژی نیز از اهمیت بالایی بر خوردار بود و این پتانسیل وجود داشت که در صورت عدم حل‌وفصل موضوع، باعث بروز درگیری شود. به‌رغم اینکه لبنان هیچ سرمایه‌گذاری در آن منطقه انجام نداده بود و تنها کنسرسیومی متشکل از توتال و چند شرکت دیگر تشکیل شده بود که قرار بود در این منطقه سرمایه‌گذاری کنند اما به این علت که اختلافات رفع نشده بود، این سرمایه‌گذاری صورت نگرفت. در آن برهه تحرکات صورت گرفته از سوی حزب‌الله و ارسال پهپاد به شمال تاسیسات معروف به کاریش با هدف ارسال این پیام که اگر مرز تعیین تکلیف نشود، لبنان این توانایی را دارد که به اسرائیل اجازه برداشتن یک‌طرفه انرژی را ندهد، موجب شد تا توازنی شکل بگیرد و مقدمه امضای توافقی شود که خود لبنانی‌ها از آن راضی هستند. قرار بود که آمریکایی‌ها این میانجیگری را برای تعیین مرزهای زمینی نیز ادامه بدهند که ۷ اکتبر فرارسید

و عملاً این روند را متوقف کرد. هنوز نیز این امیدواری وجود دارد که پس از پایان جنگ، فضا به سمت مذاکرات برای تعیین مرزها پیش برود که البته فرآیند بسیار سختی خواهد بود چراکه سطح اختلافات میان دو طرف به شدت افزایش یافته است اما به باور من این مسئله دور از ذهن نیست.

**۴ ما در مورد محدودیت‌های اسرائیل صحبت کردیم. حزب‌الله هم محدودیت‌هایی در لبنان دارد. خلاصیاسی در لبنان، بحران‌های اقتصادی و دولتی - که نمی‌شود گفت به صورت قانونی در لبنان هم سر کار است - از محدودیت‌های لبنان است. ایران هم به عنوان حامی حزب‌الله دچار محدودیت‌هایی نظیر فشار بین‌المللی، وضعیت تنش آلود منطقه و بحران اقتصادی است. اینها چقدر بر شرایط درگیری تأثیرگذار است؟**

این نکته را بگویم که نقطه مزیت حزب‌الله قدرت بازدارندگی اش در مقابل اسرائیل است. البته این قدرت نسبی است. اما در عین حال این قدرت حزب‌الله را محتاطتر از گذشته کرده است. به این جهت که تمام حرف حزب‌الله در مقابل جریان‌های مخالفش در داخل لبنان این است که اگر سلاح من نبود همچنان اسرائیل در لبنان حضور داشت. با این استدلال حزب‌الله در مقابل مخالفانش که معتقدند حزب‌الله نباید سلاح داشته باشد و سلاح باید در اختیار ارتش لبنان باشد، ایستاده است. حالا تصور کنید که اگر حزب‌الله دست به اقدامی بزند که تمام این نقطه‌قوت از بین برود؛ مثلاً اگر دست به اقدام انتحاری علیه اسرائیل بزند و جنگ را به فازی ببرد که سراسر خاک لبنان هدف حمله اسرائیل قرار بگیرد، تمام آن نقطه‌قوت و مزیت حزب‌الله زیر سوال می‌رود. دلیل احتیاط حزب‌الله در طول ماه‌های اخیر همین موضوع بوده است. این را بگذاریم در کنار وضعیت ناپایدار سیاسی در لبنان و وضعیت بی‌دولتی و بحران اقتصادی بی‌سابقه در لبنان که طبق نظر بانک جهانی یکی از سه بحران بزرگ اقتصادی در جهان است. اینها باعث می‌شود که لبنان توان ورود به یک جنگ تمام‌عیار را نداشته باشد. حزب‌الله اینها را درک می‌کند و بنابراین دست به اقدامی نمی‌زند که وزن سیاسی اش تضعیف شود و هم مردم لبنان با یک وضعیت بحرانی روبه‌رو شوند. فراموش نکنیم که گرچه حزب‌الله بخشی از محور مقاومت است اما رفتارهایش براساس ملاحظات داخلی لبنان هم هست. به این جهت که مسئولیت اصلی حمایت از امنیت لبنان در عمل به حزب‌الله واگذار شده است. بنابراین در عمل فقط یک گروه شبه‌نظامی نیست که دست به اقدامی بزند و یا سخنگو هم نباشد. همه اینها باعث شده که حزب‌الله محتاط باشد. از طرف دیگر ایران هم به‌عنوان مرکز اصلی محور مقاومت عملاً در طول ماه‌های اخیر نوعی احتیاط را در خصوص ورود مستقیم به این درگیری داشته است. از نظر اقتصادی و اجتماعی هم، امکان اینکه ایران وارد یک درگیری گسترده در منطقه شود را کاهش می‌دهد. با این وجود شبکه مقاومت سعی کرده است که با استفاده از ابزارهای خودش که مشخصاً نیروهای حوثی در یمن و نیروهای حزب‌الله در لبنان و برخی گروه‌های عراقی است تحرکاتی را صورت دهند. البته من معتقدم که تحرکات نبره‌های عراقی بعد از تفاهم میان ایران و آمریکا کمتر شده است و اصلی‌ترین نیروهایی که مواجهه جدی در اسرائیل دارند نیروهای یمنی و حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی هستند. ظاهراً تحلیلی که در شبکه مقاومت شکل گرفته این است که اسرائیل را باید وارد یک نبرد فرسایشی کرد تا در این نبرد فرسایشی توان بازپایی قدرتش را نداشته باشد و از طرفی نبردهای فرسایشی به این جهت که میزبان ضربه‌پذیری اش کمتر است و منابع آن را این می‌شود که گروه‌ها وارد درگیری‌های گسترده شوند، هزینه کمتری هم دارد. کما اینکه ایران در قبال حزب‌الله لبنان چنین ملاحظه‌ای داشته و تمایل ندارد حزب‌الله وارد درگیری گسترده با اسرائیل شود.

**۴ با توجه به اینکه ماه‌های اخیر نشان داده است که شرایط منطقه اصلاً قابل پیش‌بینی نیست، اگر جنگ گسترده‌ای در لبنان رخ دهد واکنش ایران چه خواهد بود. ممکن است ایران ملاحظات خود را کنار بگذارد و عملاً وارد درگیری شود؟**

من شناس یک جنگ فراگیر در منطقه را بسیار کم می‌دانم. مهمترین دلیل این است که طرفین در قدرت ضربه‌زدندگی به یکدیگر محدودیت‌هایی دارند. اسرائیل می‌تواند علیه لبنان اقدامات گسترده‌ای انجام دهد اما حزب‌الله حماس نیست که صرفاً بشود یک حمله یک‌طرفه علیه‌اش انجام داد. حزب‌الله هم می‌تواند ضربات سختی به اسرائیل بزند. از طرف دیگر عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی هم هستند؛ نظیر آمریکا و فرانسه و کشورهای منطقه که به‌هیچ‌عنوان تمایلی به شکل‌گیری ایسن درگیری‌ها در محدوده مرزی لبنان و اسرائیل ندارند. اما اگر چنین اتفاقی رخ دهد به باور من شرایط به طور کلی تغییر خواهد کرد و ایران به طور جدی‌تری وارد مناقشه خواهد شد اما حتی در همان مراحل اول هم به صورت مستقیم وارد نخواهد شد چون به قدرت حزب‌الله باور دارد و امروز حزب‌الله به نقطه خوداتکایی از نظر تسلیحات و تجهیزات رسیده است. امروز خیلی از موشک‌های حزب‌الله در خود لبنان تولید می‌شود. از طرفی به باور من اگر این اتفاق رخ دهد یکی از سیاست‌های ایران فعال‌تر کردن تحرکات اجزای دیگر محور مقاومت است. لبنان به لحاظ جغرافیایی پتانسیل ارسال نیرو و تجهیزات از عراق و سوریه را دارد. این وضعیت در غزه بود چون غزه تحت محاصره بود. در چنین شرایطی ملاحظات کنار خواهد رفت اما باز هم بعید می‌دانم که ایران اقدام مستقیمی علیه اسرائیل انجام دهد، چون ایران هنوز ابزارهای ضربه‌زننده دیگری هم دارد.



## ترور اسماعیل هنیه

## واکنش جهان را بر انکیت

روز گذشته روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و یکی از محافظان وی در اثر اصابت قرار گرفتن محل اقامت آنان در تهران به شهادت رسیدند. هنیه برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران به تهران سفر کرده بود. شهادت رئیس دفتر سیاسی حماس با واکنش‌ها و پیام‌های محکومیت از سوی مقام‌های فلسطینی و سایر مقام‌ها مواجه شده است. محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین ضمن محکومیت این ترور، آن را اقدامی بزدلانه و تحرکی خطرناک دانست و از همه مردم فلسطین خواست در برابر اشغالگران اسرائیلی به وحدت، صبر و پایداری روی آورند. لوید آستین وزیر دفاع آمریکا مدعی شد از ترور اسماعیل هنیه مطلع شده اما اطلاعات بیشتری در این زمینه ندارد. پس از آن اتنونی بلینکن در اظهارنظر کوتاهی درباره ترور شهید «اسماعیل هنیه» گفت: «ما گزارش‌های مربوط به ترور هنیه را دیده‌ایم.» شبکه «الجزیره» به نقل از وی نوشت: «اکنون اولویت رسیدن به آتش‌بس در غزه است که به نفع گروه‌گان‌ها است.» با این حال، او گفت که نمی‌توان تأثیر ترور هنیه را پیش‌بینی کرد. از سوی دیگر نا اوتکولوفا، عضو اداره اطلاع‌رسانی ارتش اسرائیل و سخنگوی پیشین در پاسخ به سوال خبرنگار شبکه ریائوستی مبنی بر دست داشتن تل آویو در ترور هنیه گفت: «خیر». رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، با انتشار یک بیانیه ترور منجر به شهادت اسماعیل هنیه را این‌طور توصیف کرد: «اقدامی نفرت‌انگیز با هدف برهم زدن آرامن فلسطین، مقاومت شکوهمند غزه و مبارزه عادلانه برادران فلسطینی ما و تضعیف روحیه و ارعاب فلسطینیان است.» وزارتخانه‌های امور خارجه عمان، مصر و اردن در بیانیه‌هایی جداگانه ترور شهید اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس را به شدت محکوم کردند. وزارت امور خارجه عمان در بیانیه خود اعلام کرد: ترور رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس اسماعیل هنیه در تهران، پایتخت ایران که نقض آشکار قوانین بین‌المللی و بشردوستانه است، محکوم می‌کنیم و از جامعه جهانی می‌خواهیم اقدامی برای توقف تجاوزات اسرائیل انجام دهد. وزارت خارجه مصر در بیانیه خود سیاست خطرناک تشدید تنش اسرائیل در دو روز گذشته را محکوم کرد. مصر همچنین از شورای امنیت سازمان ملل و قدرت‌های بین‌المللی با نفوذ خواست تا مسئولیت توقف این تشدید تنش خطرناک در خاورمیانه و جلوگیری از خارج شدن اوضاع امنیتی از کنترل را برعهده گیرند. ایمن الصفدی، وزیر امور خارجه اردن هم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ما به شدت اقدام اسرائیل در ترور رئیس دفتر سیاسی حماس، اسماعیل هنیه رحمة‌الله را محکوم می‌کنیم و آن را جنایتی شنیع و نقض آشکار قوانین بین‌المللی می‌دانیم.» میخائیل بوگدانف، معاون وزیر امور خارجه روسیه نیز گفت ترور رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران، تأثیر «بسیار منفی بر مذاکرات دوحه خواهد گذاشت». شیخ محمدبن عبدالرحمن آل ثانی، نخست‌وزیر قطر درباره موفقیت میانجیگری آینده بین حماس و اسرائیل بعد از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، ابراز تردید کرد. سازمان آزادی‌بخش فلسطین در اطلاعیه خود تأکید کرد که این جنایت موجب پایدی هرچه بیشتر ما به مقاومت و پایداری در برابر دشمن خواهد شد. گردان‌های عزالدین قسام در بیانیه‌ای تأکید کرد: «عملیات جنایتکارانه ترور اسماعیل هنیه آن هم در قلب پایتخت ایران رویدادی متفاوت و مهم است که نبرد را وارد ابعاد جدیدی می‌کند.» القسام همچنین اعلام کرد: «جنایت‌های مداوم دشمن در میدان‌های مختلف، رنگ خطری برای تمام دولت‌ها و ملت‌های منطقه است.» «مهدی المشاط» رئیس شورای عالی سیاسی یمن با صدور بیانیه‌ای به مناسبت شهادت اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، سه روز عزای عمومی در یمن اعلام کرد و گفت که در این مدت پرچم یمن نیمه‌برفراشته خواهد شد. رئیس شورای عالی سیاسی یمن در بیانیه خود شهادت اسماعیل هنیه را ضایعه بزرگی برای ملت فلسطین و امت اسلامی دانست. دولت مالزی ضمن محکومیت ترور «اسماعیل هنیه» و هر اقدام خشونت‌آمیز تروریستی، تحقیق درباره مسئولان و مسببان آن را خواستار شد.